

تأملاتی بر نقش قاچاق کالا در
اقتصاد کشور و بازکاوی نقش مبارزه با
قاچاق در نهادینه سازی اقتصاد مقاومتی

محمد رضا حیدری^۱

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان: heidari@isu.ac.ir

چکیده

ماهیت، عوامل، لوازم و آثار سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قاچاق کالا، مستلزم نگرش سیستمی به این پدیده است. بر این اساس در این مقاله جایگاه، عوامل و آثار سیستمی قاچاق بر اساس مبانی و خصلت ترکیبی عناصر دخیل در پدیده، بررسی و سازوکار مقابله با آن در جهت نهادینه‌سازی اقتصاد مقاومتی تحلیل می‌گردد. قاچاق از منظر اقتصادی بر تولید، واردات، مصرف، سرمایه‌گذاری، تورم، صادرات، اشتغال، درآمد دولت، تحرک سرمایه، بهره‌وری و نابرابری درآمدی مؤثر است. این متغیرها علاوه بر تأثیر متقابل بر هم، از عوامل غیراقتصادی تأثیر پذیرفته و متقابلاً بر آن‌ها اثر می‌گذارند. اقتصاد مقاومتی بر شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا، شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار، حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات، افزایش پوشش استاندارد در بخش واقعی و اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی و سلامت و شفافیت نظام پولی و ارزی؛ در بخش اسمی تأکید می‌نماید. تحقق این سیاست‌ها مستلزم هم‌سویی محیط نهادی است. از دیگر سو، با توجه به سهم زیاد بخش عمومی، وابستگی به نفت، عادت به واردات و صادرات بدون اولویت، اشکال در الگوی مصرف، انحراف قیمت‌های نسبی، تورم مزمن، بیکاری و معیوب بودن برخی از ساختارهای اقتصادی مانند نظامات مالی، پولی، بانکی، ارزی و گمرکی و ارتباط متقابل این مسائل با متغیرهای غیراقتصادی لزوم توجه به سایر ابعاد در ربط سیستمی با وجوه اقتصادی آشکار می‌گردد. بر این اساس، این پژوهش به روش تحلیلی نقش مبارزه با قاچاق کالا را بر هر یک از متغیرهای مؤثر در مسائل فوق و نیز ابعاد غیراقتصادی زمینه‌ساز و اثرپذیر در درون چهارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی بررسی و بر نقش متقابل مبارزه با قاچاق و اقتصاد مقاومتی تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، قاچاق کالا، نگرش سیستمی، اقتصاد غیررسمی، اقتصاد ایران



مقدمه

اقتصاد ایران از مشکلات ساختاری زیادی رنج می‌برد که همواره پس از انقلاب موجب طمع دشمنان به فشار آوردن بیشتر از این ناحیه و گرفتن امتیاز از نظام اسلامی شده است. از جمله این مشکلات می‌توان به حجم بالای دولت، وابستگی دولت به درآمدهای نفتی، سهم پایین فناوری در صادرات کشور، بهره‌وری پایین نیروی کار، حجم زیاد رانت در اقتصاد کشور، هزینه بالای دسترسی به منابع لازم برای سرمایه‌گذاری، پایین بودن درآمدهای مالیاتی دولت (حجم بالای فرار مالیاتی)، ... اشاره کرد.

اقتصاد مقاومتی، تکیه اصلی خود را بر حل مشکلات ساختاری اقتصاد گذاشته و به اجرای هوشمندانه بسته‌ای از سیاست‌های اقتصادی روی می‌آورد که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: مشارکت، انتقال و واگذاری بخشی از طرح‌های دولت؛ قیمت‌گذاری منطقی دارایی‌های دولت؛ مهار خلق پول؛ گسترش پایه مالیاتی با تکیه بر مالیات بر زمین و سایر دارایی‌های کم مولد؛ اصلاح الگوی مصرف؛ توسعه فناوری‌های نوین و افزایش حجم صادرات کالاهای فناوری پیشرفته؛ استقرار الگوهای حمایت مؤثر از تولیدات داخلی با تأکید بر الگوی حمایت نرم (مهار واردات نهایی و قاچاق)؛ استقرار تشکل‌ها یا ترتیبات تجاری منطقه‌ای مبتنی بر مناسبات راهبردی.

پدیده قاچاق معلول تعامل پیچیده مجموعه‌ای از عوامل غیر اقتصادی و اقتصادی است؛ لذا تنها در صورتی درک روشن از آن متصور است که بستر نهادی و خصلت ترکیبی عناصر مرتبط توأما ملحوظ گردد. در این مقاله ضمن توجه به محیط نهادی تجارت، با استفاده از نگرش سیستمی نقش مبارزه با قاچاق در نهادینه سازی اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار می‌گیرد.

این مقاله در ادامه به مبانی نظری سیستم و تفکر سیستمی می‌پردازد و پس از ذکر ابعاد و ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی، به بررسی قاچاق کالا و ارز و عوامل سیستمی مؤثر بر آن و سپس پیامدهای اقتصادی ناشی از آن می‌پردازد. در نهایت بر نقش مبارزه

با قاجاق در نهادینه کردن اقتصاد مقاومتی و نیز نقش متقابل تحقق سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی در حذف عوامل زمینه‌ای و بهبود محیط نهادی برای جلوگیری از قاجاق تأکید می‌نماید. در پایان جمع‌بندی و پیشنهادات ارائه می‌گردد.

۱. مبانی نظری

سیستم (نظام) مجموعه‌ای از اجزاء به هم وابسته است که با هم کار می‌کند و بر اساس مبانی بینشی و ارزشی مشخص و با انسجام و یکپارچگی؛ در راستای مقاصد معینی به صورت هماهنگ سامان یافته است. هر جزء تبلوری از مبنای سیستم در جهت تحقق هدف آن سیستم است. اجزاء یک سیستم ارتباط ناگسستگی دارند. اگر این ارتباط نباشد سیستم کارکرد درستی نخواهد داشت. ارتباط میان عناصر و اجزاء موجب می‌شود که هر یک از فعالیت‌های اجزاء، مستقل از یکدیگر نباشد. فعالیت‌های یک جزء می‌تواند نتیجه رفتار جزء دیگر باشد و باز در جزء سوم تاثیر بگذارد. رفتار سیستم در کل تابع رفتار عناصر آن است و در واقع ارتباطها پیوندهای میان اجزاء هستند که رفتار آن‌ها و در نتیجه رفتار کل سیستم را تحت تاثیر قرار می‌دهند. اگر روابط بین اجزاء تغییر نماید دیگر خصلت ترکیبی یا هدف نظام ثابت نمی‌ماند. هرچه پیوند عناصر بیشتر باشد سیستم‌ها پیچیده‌تر بوده و نیل به هدف سیستم تحت تاثیر عوامل بیشتری قرار می‌گیرد. نظم میان عناصر تعیین‌کننده امکان و شدت تاثیر و تاثر آن‌ها برای تحقق هدف سیستم می‌باشد.

سیستم اقتصادی به تعبیر جوزف لاثوژی، مجموعه هماهنگ از نهادهای حقوقی و اجتماعی است که در بطن آن برخی وسایل سازمان یافته به پیروی از برخی انگیزه‌های برتر به منظور برقراری تعادل اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. رژیم اقتصادی نیز به عنوان یکی از عناصر اقتصادی؛ مجموعه قواعد قانونی در بطن یک نظام اقتصادی یعنی مناسبات افراد انسان در دو قلمرو مناسبات افراد با اموال - مالکیت - و

مناسبات افراد بین خودشان - آزادی - را معین می‌کند.

از آنجا که نظام اقتصادی در قلمرو نظام اجتماعی قرار دارد، تعداد بی‌شماری متغیر را دربر می‌گیرد، و در نتیجه به صورت نظامی باز تلقی می‌شود. امروزه برای دستیابی به نتایج مطلوب هر جریان یا مجموعه‌ای از رویکرد سیستمی استفاده می‌شود زیرا در این رویکرد ورودی مشخص است و فرایند تغییر یا تولید نیز دقیقاً تعریف شده است و در نهایت خروجی سیستم یا برون داد نیز قابل بررسی می‌باشد. در این رویکرد عنصر بازخورد وجود دارد که به بررسی کیفیت و کمیت کالا یا خدمات تولید شده می‌پردازد و در مرحله اول نواقص و کاستی‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد و پس از آن به دنبال یافتن عواملی است که بتواند بهره‌وری را افزایش دهد. در نگرش سیستمی، نهاد نظام‌ساز ابتدا سعی می‌نماید تاثیرگذاری عناصر درون سیستمی را به منظور افزایش کیفیت مورد بررسی قرار دهد و هرگونه اصطکاک و عوامل فرسایشی را در درون سیستم شناسایی و مرتفع نماید و پس از آن به عوامل محیطی موثر و مرتبط می‌پردازد تا بتواند با پیدا کردن نوع ارتباط و میزان اثرگذاری، نقش آن عوامل را تعیین نموده و در فرایند تولید دخالت دهد. از ویژگی‌های مهم رویکرد سیستمی در مدیریت عنصر بازخورد است که به موجب آن مدیران باید پیوسته سیستم را مورد نظارت و بررسی قرار داده و ضمن آگاهی از عملکرد تمامی اجزاء از موقعیت آنها به لحاظ کارایی و میزان تاثیر و نوع ارتباط با دیگر اجزاء مطلع باشند و در نهایت حساسیت خاصی روی خروجی‌های سیستم داشته و به منظور افزایش بهره‌وری به طور پیوسته باید بتواند به عوامل موثر در آن دست یابند. در ادامه اقتصاد مقاومتی به عنوان تبلوری از نظام (سیستم) اقتصادی اسلام در عصر حاضر مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲. اقتصاد مقاومتی

مقام معظم رهبری الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی را اقتصاد مقاومتی نامیده و تحقق آن را موجب حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز

بیست ساله و نیز غلبه بر مشکلات اقتصادی و شکست و عقب‌نشینی دشمن در جنگ تحمیلی اقتصادی تمام‌عیار در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و... در آن رو به افزایش است؛ دانسته‌اند. این اقتصاد، متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، مردم‌محور، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو بوده و الگوئی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت می‌بخشد. به طور خلاصه اقتصاد مقاومتی به معنای تحقق‌بخشیدن به یک الگوی اقتصادی فعال، مترقی، متعالی و جهادی با هدف برخورد موثر با موانع و فشارهای اقتصادی داخلی و خارجی است تا ضمن کاهش آسیب‌پذیری و وابستگی کشور در شرایط فشار و تحریم، موجبات رشد و توسعه درون‌زا و «قائم به ذات و غیرقائم به غیر» را فراهم سازد.

رهبر حکیم انقلاب برای اولین بار در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶ در جمع کارآفرینان کشور واژه‌ی اقتصاد مقاومتی را در ادبیات اقتصاد کشور وارد ساخته و پس از تبیین مفهوم آن در مواضع متعدد نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ سیاست‌های کلی آن را ابلاغ نموده و تأکید کردند قوای کشور بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه‌ی راه برای عرصه‌های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند. بدیهی است هسته‌ی سخت این نظریه و دال مرکزی این گفتمان، تکیه بر ظرفیت‌ها و منابع، استعدادها و مواهب و نیز فرهنگ و تمدن غنی ایرانی - اسلامی ملت ایران و اقتدار نظام سیاسی مردم‌سالاری اسلامی برای تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی است.

بر این مبنا، اقتصاد مقاومتی روشی برای مقابله با تحریم‌ها علیه یک منطقه یا کشور تحریم‌شده می‌باشد، در شرایطی که صادرات و واردات هیچ‌کدام برای آن کشور مجاز نباشد. اقتصاد مقاومتی به‌واقع به معنی تشخیص حوزه‌های فشار، سپس تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آنها و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت



می‌باشد (پیغامی، ۱۳۹۱: ۱۱).

الله مراد سیف در مقاله‌ی خود تحت عنوان «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبثنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)» که با روش توصیفی گردآوری شده است، بیان می‌کند که از جمله اشکالات اساسی مدیریت اقتصادی کشور نداشتن الگویی برای مدیریت اقتصاد در شرایط وجود چالش و بحران است. در شرایط تحریم با وجود تلاش‌های وافر، بسیاری از مسائل به چالش تبدیل شده و چالش‌ها نیز بدون الگویی از پیش تعیین شده به صورتی کاملاً اقتضایی و موردی به کار گرفته می‌شوند و در مجموع کارایی لازم را ندارند. لذا فقدان الگوی اقتصاد مقاومتی کاملاً احساس می‌شود. وی با دقت در بیانات مقام معظم رهبری مؤلفه‌ها و محورها و نتایج را که اقتصاد مقاومتی به دنبال خواهد داشت را بیان می‌کند و همچنین شرایط و الزاماتی را برای تحقق آن بیان می‌کند. (سیف، ۱۳۹۱: ۵-۲۲).

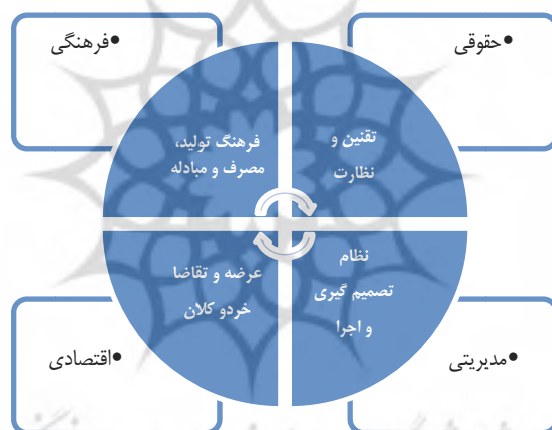
در سال‌های اخیر و با شدت گرفتن تحریم‌های غرب علیه ایران با هدف متوقف کردن برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، واژه‌ای جدید تحت عنوان اقتصاد مقاومتی به ادبیات اقتصادی و سیاسی کشور اضافه و به فراخور حال و روز اقتصاد کشورمان مورد بحث قرار گرفته است. اقتصاد مقاومتی روشی برای مقابله با تحریم‌ها علیه یک منطقه یا کشور تحریم شده می‌باشد؛ در شرایطی که صادرات و واردات هیچ‌کدام برای آن کشور مجاز نمی‌باشد. البته اقتصاد مقاومتی مختص زمان تحریم و جنگ نیست؛ بلکه می‌تواند یک چشم‌انداز بلندمدت پیش‌روی اقتصاد وابسته به نفت کشور باشد. (عارف و کیانی بختیاری، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۶).

۳. قاچاق و عوامل سیستمی مؤثر بر آن

بر اساس ماده یک قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۳/۱۰، قاچاق کالا و ارز، هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و براساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای

آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود. در اصطلاح گمرک و سایر دستگاههای وصولی دولت، منظور از قاچاق، گریزاندن کالا از پرداخت مالیات و عوارض به دولت است و یا فرار دادن کالا از شمول مقررات دولتی و نقل و انتقال و خرید و فروش آن به طور غیرمجاز و ممنوع است.

به لحاظ نهادی، قاچاق معلول تعامل پیچیده مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و مدیریتی است. در شکل زیر تعامل عوامل مذکور و مؤلفه‌های هر قلمرو نشان داده می‌شود.



شکل ۱. رابطه سیستمی عوامل مؤثر بر قاچاق

این مقاله ضمن توجه به عوامل غیراقتصادی مؤثر بر قاچاق، بر عوامل اقتصادی تمرکز می‌نماید.

بدیهی است که تجارت منجر به افزایش تخصص و کارایی در بخش‌های صادراتی شده و در نهایت باعث تخصیص مجدد منابع از بخش‌های غیرتجاری و غیرکارآ به بخش‌های تجاری می‌گردد که این پدیده می‌تواند به رشد تولید کمک نماید. ضمن

اینکه رشد صادرات بر رشد تولید اثرات جانبی نظیر افزایش بهره‌وری عوامل تولید، کارآیی در تخصیص منابع، پیشرفت تکنولوژی و استفاده از تکنولوژیهای نوین، فراهم آوردن امکان بهره‌گیری از صرفه‌های ناشی از مقیاس و افزایش تخصص نیروی کار را دارد. به این ترتیب صادرات، خود به عنوان یک عامل مهم و تأثیرگذار در تولید کل کشور به شمار می‌آید.

توسعه تجارت خارجی با رویکرد توسعه صادرات امکانات جدیدی را برای توسعه اقتصادی کشور، از طریق ارتقا سطح تخصص‌ها و انتقال دانش و تکنولوژی فراهم کرده، امکانات ویژه‌ای را برای استفاده مطلوبتر و اقتصادی‌تر از منابع طبیعی در جهت توسعه اقتصادی کشور فراهم می‌نماید و از همه مهمتر اینکه معضل محدود بودن بازارهای داخلی را مرتفع می‌سازد.

از آنجا که قاچاق با مسئله تجارت و به وبه ویژه تجارت خارجی ارتباط می‌یابد. در این قسمت محیط نهادی و عوامل و شرایط مؤثر بر تجارت خارجی و بالتبع قاچاق به طور فهرست وار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. وابستگی به نفت (در حالی که قیمت آن در اختیار ما نیست و سهم ایران در بازار جهانی آن بسیار اندک است و ...)

۲. کسری تراز تجاری

۳. خام‌فروشی و عدم استفاده از زنجیره ارزش محصولات و نفی اقتصاد دانش‌بنیان

۴. عدم استفاده از ظرفیت عظیم نیروی انسانی جوان و تحصیل کرده در صادرات خدمات فنی و مهندسی (تجربه هند در نرم افزار و IT)

۵. تنوع اندک محصولات صادراتی (نفت، میعانات و ...)

۶. تمرکز مقاصد صادراتی

۷. تمرکز در مبادی واردات

۸. وابستگی مبادلات به دلار و نظام‌های پرداخت بین‌المللی که تحت سلطه نظام ناعادلانه حاکم بر جهان است. (سوئیفت و ...)

۹. فقدان راهبرد تجاری مدون، جامع و بلندمدت
۱۰. نقش معکوس مناطق آزاد تجاری، مناطق ویژه اقتصادی و بازارچه های مرزی
۱۱. رژیم ارزی و آثار آن بر تشویق واردات و ...
۱۲. نقش ضعیف و بعضاً منفی نهادهای ذیربط (وزارت خارجه، سازمان توسعه تجارت و ...)
۱۳. فقدان اثربخشی مشوقهای صادراتی
۱۴. نبود تشکلهای صادراتی قوی
۱۵. واردات گسترده کالاهای لوکس و ... (مثلاً خودرو)
۱۶. نبود نظام تعرفه ای اثربخش در راستای تحدید واردات و تشویق صادرات (اعمال سلیق و ...)
۱۷. عدم استفاده از ظرفیت FTA و نهادهای مشابه با همسایگان
۱۸. غفلت گسترده از ظرفیت سوپ و ترانزیت (غرب به شرق، شمال به جنوب، زمین، هوا و دریا)
۱۹. عدم همسویی منافع اقتصادی با مصالح امنیتی و سیاسی
۲۰. غفلت از امنیت اقلام راهبردی (واردات گسترده گندم، روغن، شکر، نهاده های دام و طیور و دارو و ...)
۲۱. به توجهی به اهمیت صادرات برق، گاز و ... به همسایگان (و گره زدن امنیت ایشان به امنیت کشور)
۲۲. غفلت از قاعده نفی سبیل (در حالی که امریکا در سال ۱۹۱۷ قانون تجارت با دشمن تصویب کرده است)
- در سالیان گذشته واردات بی رویه کالا چه از طریق مجاری قانونی و چه از طریق مجاری غیر قانونی (قاچاق) سبب گردید بازار های داخلی از کالاهای بی کیفیت و با قیمت پایین خارجی اشباع شده و عملاً "توان رقابت تولیدات داخلی بنگاه های زود بازده با محصولات مشابه وارداتی گرفته شود. این موضوع سبب گردید بنگاه ها با

فروش محصولات خود در بازار با مشکل جدی روبرو شده و از طرفی با توجه به محدودیت های ایجاد شده در خصوص صادرات با کمبود شدید نقدینگی مواجه شده و در هنگام سررسید اقساط تسهیلات نتوانند بدهی خود به بانک را پرداخت نمایند. نوسات شدید اقتصادی طی چند سال گذشته نیز سبب گردیده بنگاه های تولیدی در جهت تامین مواد اولیه به دلیل افزایش قیمت های مواد اولیه، با مشکل روبرو گردیده و قیمت تمام شده محصولات افزایش یابد و با توجه به نداشتن مزیت رقابتی نسبت به سایر محصولات وارداتی با قیمت پایین تر، سطح فروش محصولات تولیدی بشدت کاهش یافته، که این امر باعث کاهش درآمد بنگاه ها شده و کاهش توان مالی آنان سبب می گردد باز پرداخت بدهی ها با تاخیر صورت گیرد و یا بعضاً توان باز پرداخت اقساط خود را به طور کامل نداشته باشند و این موضوع باعث افزایش ریسک اعتباری و مطالبات غیر جاری بانک شده است.

پدیده قاچاق کالا، علاوه بر آثار سوء اقتصادی به عنوان یک چالش اقتصادی و اجتماعی حائز اهمیت است. امروزه این پدیده علاوه بر اینکه به عنوان یک تهدید جدی بر سر راه تجارت آزاد است هزینه های زیادی نیز بر بدنه اقتصادی کشور تحمیل می کند. قاچاق کالا از یک سو درآمدهای گمرکی و مالیاتی دولت را کاهش می دهد و از طرفی سبب خروج بی حاصل ارز، فرار گسترده سرمایه، افزایش بیکاری، کاهش تولیدات صنعتی داخلی و... می شود. در اقتصاد سالم تمامی فعالیت های اقتصادی ثبت و ضبط می شود اما دسته ای از فعالان اقتصادی مایل به چنین امری نیستند و لذا موجبات شکل گیری اقتصاد زیرزمینی یا اقتصاد سیاه را به وجود می آورند از مهم ترین مصادیق اقتصاد زیر زمینی همانا پدیده قاچاق کالا و ارز است که نظام اطلاعات اقتصادی کشور را مختل می کند و تصمیم گیری اقتصادی را با مشکل مواجه کرده و سیاست گذاری ها کارایی خود را از دست می دهند. قاچاق کالا و ارز همواره بیش از مبادلات قانونی است و عملاً عنان بازارهای ایران بویژه در صنایع های تک که محصولاتی کم حجم اما گران قیمت و پرتقاضا دارند در اختیار افراد و گروه هایی

است که نه تنها نقشی در رشد شاخص‌های اقتصادی ندارند بلکه مهمترین عوامل سقوط و انحطاط اقتصادی و اجتماعی یک کشور محسوب می‌شوند. قاچاق کالا ضمن خدشه‌دار کردن اهداف حمایتی دولت موجب از بین رفتن آثار سیاستهای تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای دولت می‌شود. ضمن آنکه عدم پرداخت حقوق دولت از سوی قاچاقچیان موجب کاهش سرمایه‌گذاری در صنایع، کاهش حجم فعالیت‌های تولیدی در داخل کشور و در نتیجه کاهش اشتغال می‌شود و با توجه به آنکه صنایع تولید داخلی مجبورند زیر ظرفیت خود فعالیت کنند، در نتیجه قیمت تمام شده تولیدات بالا رفته منجر به افزایش تورم در داخل کشور می‌شود.

عوامل تفصیلی مؤثر در ایجاد قاچاق کالا وارز

شناخت عوامل، دلایل و زمینه‌های قاچاق موجب می‌گردد تا با تأمل در ابعاد، ماهیت و ویژگی‌های آن نسبت به مقابله و زمینه‌سازی برای تحقق اقتصاد مقاومتی اقدام نمود.

الف) محیط نهادی

با توجه به اینکه قاچاق کالا و ارز یک پدیده چند وجهی می‌باشد لذا عوامل متعددی از جمله اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... در شکل‌گیری آن نقش دارند که شناسایی این عوامل به ارائه راهکار مناسب جهت برخورد با این پدیده شوم اقتصادی، اجتماعی کمک می‌نماید.

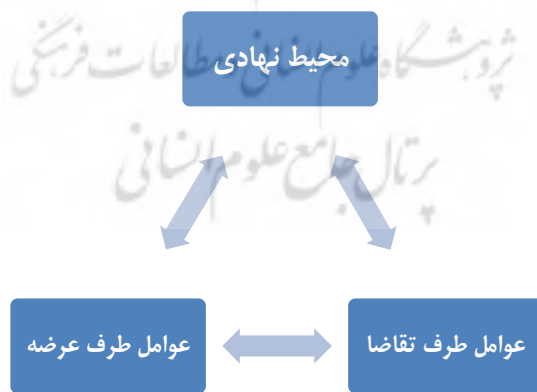
عوامل اقتصادی بسیاری بر حجم قاچاق مؤثر است. در این مقاله بر نقش نهادها تأکید ویژه می‌شود. کیفیت نهادها تأثیر شگفتی بر رقابت‌پذیری و رشد دارد. کیفیت نهادها بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و نحوه تولید تأثیر می‌گذارد و نقش کلیدی در تحمیل هزینه‌ها و توزیع منافع حاصل از سیاست‌های توسعه و رشد جوامع ایفا می‌کند. محیط کسب و کار مجموعه‌ای از سیاست‌ها، شرایط حقوقی، نهادی و مقرراتی است که بر فعالیت‌های کسب و کار حاکم است. موانع سخت و دیوان‌سالاری

اداری باعث تبدیل شدن بخش خصوصی به بخش زیرزمینی، غیررسمی و غیر مولد شده و توسعه اقتصادی را با مشکل مواجه می‌کند.

کیفیت نهادی شامل دولت، مقررات دولتی، قوانین حاکم در جامعه نقش اساسی در ایجاد و رشد فساد اقتصادی دارند. در این زمینه پایین بودن کارایی دولت که در کیفیت پایین خدمات عمومی، مقررات دست و پا گیر و تشریفات اداری، عدم التزام دولت به اجرای درست سیاست‌ها تجلی می‌یابد، مانع توسعه است و انگیزه شکست قانون و سودجویی شخصی در ادارات دولتی را تقویت می‌نماید. ساختار انگیزشی در اقتصاد ایران متأثر از رانت نفت و دولت بزرگ است. لذا نقش سازوکار قیمت در تخصیص منابع و انگیزش کارگزاران اقتصادی در حاشیه قرار دارد.

ب) مالیات و یارانه

از دیدگاه نظری، یارانه و مالیات دو ابزار مهم اقتصادی هستند که دولت‌ها به وسیله آنها در بازار دخالت می‌کنند. یارانه با تحریف قیمت‌ها، مانع تخصیص بهینه منابع می‌شود و رشد اقتصادی را کاهش خواهد داد و از سوی دیگر با ایجاد کسری بودجه و افزایش هزینه های اجتماعی، بر اقتصاد ملی آثار جدی بر جای می‌گذارد.



شکل ۲. نقش سیستمی محیط نهادی در عوامل اقتصادی مؤثر بر قاچاق

اجتناب و فرار مالیاتی و نیز پرهیز از پرداخت حقوق ورودی و خروجی کالاها از مهمترین انگیزه‌های قاچاق کالا است. در صورت افزایش مالیات مشاغل و شرکت‌ها احتمال فرار از پرداخت مالیات افزایش می‌یابد و انگیزه‌ای برای گسترش فعالیت‌های غیر رسمی به ویژه قاچاق کالا آن هم در بخش تجارت خارجی و خصوصاً واردات فراهم می‌آید. بنابراین می‌توان از جدول نرخ‌های مالیاتی مشاغل و شرکت‌ها و حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی به منزله علامت وجود قاچاق کالا استفاده کرد.

نیز، پرداخت یارانه موجب اختلاف بین قیمت‌های داخلی و قیمت‌های جهانی می‌گردد. این تفاوت قیمت انگیزه‌ای برای تجارت قاچاق از کشورهای دارای قیمت‌های داخلی کمتر از قیمت‌های جهانی به سمت کشورهای دیگر می‌شود. یارانه‌های پرداختی به حامل انرژی از جمله نفت و بنزین در ایران انگیزه‌ی قاچاق این کالاها به کشورهای هم‌جوار است. لذا وجود یارانه‌ی زیاد در اقتصاد علامت روشن و هشدار دهنده‌ای بر وجود فعالیت غیر رسمی قاچاق کالا است. سود آوری بالای قاچاق کالا از مهمترین دلایل گرایش به این امر می‌باشد. و این سود ناشی از تفاوت قیمت‌ها در بازار داخل با کشورهای هم‌جوار است.

قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی در سطحی پایین‌تر از قیمت جهانی آثار نامطلوبی بر جامعه و اقتصاد برجای گذاشته است. رشد سریع مصرف انرژی، کاهش کارایی، آلودگی محیط زیست، بار هزینه یارانه انرژی بر بودجه دولت، قاچاق و فاصله درآمدی از جمله پیامدهای نامطلوب این سیاست قلمداد می‌شوند.

یکی از مشکلات نظام یارانه در کشور افزایش قاچاق کالای یارانه‌ای به خارج از کشور است. ارزان بودن برخی کالاها یارانه‌ای منجر به تشدید قاچاق این کالاها به خارج از کشور شده است. به عبارات دیگر یارانه‌های پرداختی به مصرف‌کنندگان خارجی نیز تعلق گرفته است. نکته قابل توجه این است که دولت در واکنش به تقاضای فزاینده بنزین در جامعه، یارانه قابل ملاحظه‌ای برای واردات فرآورده پرداخت می‌کند. این در حالی است که بخشی از بنزین وارداتی به دلیل ارزان بودن به

کشورهای همجوار قاچاق می‌شود. هدفمند نبودن این یارانه‌ها و خروج سهم قابل ملاحظه‌ای از منافع یارانه‌ها از طریق سیستم توزیع از جمله نقاط ضعف اساسی در پرداخت یارانه‌ها در کشور محسوب می‌شود.

به‌طور کلی نظام کنونی پرداخت یارانه از طریق زیان عملیاتی شرکتهای دولتی موجب شده است تا پیامدهای زیر ملموس گردد:

۱. پرداخت همگانی و کاهش اثربخشی یارانه‌ها ناشی از برخورداری گروه‌های مختلف درآمدی.

۲. افزایش بی‌رویه مصرف و فشار بر منابع عمومی بودجه دولت.

۳. کاهش توان رقابتی تولیدات داخلی در بازارهای جهانی.

۴. کاهش بهره‌وری تولید و افزایش شدت مصرف انرژی.

۵. علائم غلط قیمتی و در نتیجه تخصیص غیر بهینه منابع.

۶. افزایش بی‌رویه نیاز به منابع ارزی برای تأمین انواع انرژی (بنزین و...).

۷. افزایش آلودگی، افزایش فساد اقتصادی (قاچاق و...) و عدم توسعه تولید انرژی‌های تجدیدپذیر غیر فسیلی و صنایع پاک.

ج) حقوق گمرکی

به‌جهت اقتصادی، اعمال تعرفه ایزاری است برای سوق‌دادن مصرف به سمت کالاهای داخلی و جلوگیری و یا دست‌کم کاهش دادن تقاضا برای کالاهای تجملاتی و غیرضروری است. با اعمال تعرفه سنگین بر واردات کالاهایی که تولید مشابه داخلی دارند، قاطبه‌ی مصرف‌کنندگان که از اقشار کم‌درآمد و متوسط هستند ناگزیر از خرید کالای داخلی خواهند گردید. همچنین تعرفه بالا موجب گرانی کالاهای تجملاتی و غیرضروری وارداتی شده و مصرف این کالاها را کاهش خواهد داد. اما از سوی دیگر اعمال محدودیت‌های رسمی تجاری از سوی دولت بر کالاهای وارداتی اثر مستقیمی بر افزایش حاشیه سود بازار کالای قاچاق داشته و به‌طور مستقیم حجم

قاجاق را در کشور افزایش می دهد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳).

نظام تعرفه‌ای مناسب، مشوق‌های واردات و صادرات، کاهش سخت‌گیری‌های بیهوده، اصلاح قوانین و تعرفه‌ها و عوارض و هزینه‌های صادرات و واردات و... می‌تواند افراد و تاجران را تشویق به واردات و صادرات از طریق قانونی کند. بعضاً تعرفه تعیین شده آنقدر بالا است که ورود کالا به صورت قاجاق را تشویق می‌کند فلسفه تعرفه بالا باید در اصل حمایت از تولیدات داخلی و افزایش سطح اشتغال باشد و در مرحله بعد ایجاد درآمد برای خزانه دولت. تعرفه در خصوص کالایی بسته می‌شود که آن کالا تولید داخلی دارد و یا می‌خواهد داشته باشد و تولید داخلی این کالا قابل رقابت با کالاهای مشابه خارجی‌اش نباشد در این صورت دولت با ایجاد تعرفه، از تولید داخلی آن کالا حمایت می‌کند. البته وضع تعرفه نباید همیشگی و بلند مدت باشد. بلکه زمان وضع تعرفه، زمان دقیقی برای برداشتن تدریجی این تعرفه‌ها در نظر گرفته می‌شود، تا تولیدکنندگان داخلی با اعمال مدیریت کارآمد بتوانند تولید آن کالا را در سطح جهانی و بین‌المللی به انجام برسانند.

مسئله‌ای که در برخی کشورهای در حال توسعه در خصوص تعرفه‌ها مشاهده می‌شود، این است که دولتها با مشاهده درآمدهای قابل توجه این تعرفه‌ها برای دولت، با نگاه درآمدی به تعرفه‌ها می‌نگرند. و این مساله باعث دائمی شدن تعرفه‌ها می‌شود، لذا سبب می‌شود که تولیدکنندگان تلاشی برای تولید با کیفیت‌تر نکنند و تولید داخلی همواره در سطح پایینی انجام شود، در این میان اقشار مختلف مردم هستند که ضرر می‌کنند زیرا باید کالاهای تعرفه‌ای را با قیمتی بالاتر از قیمت معمول جهانی بخرند.

یکی از شرایط عضویت در سازمان تجارت جهانی کاهش تدریجی تعرفه تجارت خارجی کالاها است. لازم است برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت به تعرفه‌ها دیدی کوتاه مدت و محدود داشته باشد. سیاست‌های تعرفه‌ای باید در جهت حمایت از تولید و به صورت موقتی اتخاذ شود، و اینکه در همان ابتدای اتخاذ سیاست تعرفه‌ای، زمان آن مشخص شود بسیار ضروری است. در حقیقت تعداد سالها و یا

ماههایی که تعرفه‌ها وضع می‌شوند، فرصتی است که در اختیار تولیدکنندگان کالای مربوط قرار می‌گیرد تا تولید خود را استاندارد و در حد رقابت با رقبای خارجی خود نمایند. پس از این مدت، دولت اقدام به حذف تدریجی تعرفه‌ها می‌کند تا در نهایت تعرفه‌ها به صفر می‌رسد. در این حالت است که تولیدکنندگان داخلی مجبورند با رقبای خارجی در بازارهای داخلی رقابت نمایند. اگر این رقابت منجر به حذف تولیدکنندگان داخلی نشود، سیاستهای تعرفه‌ای در آن کالا، موفق عمل کرده است و در داخل نیز موجب افزایش کیفیت تولیدات و استفاده مردم از تولیدات با کیفیت می‌شود و رفاه مردم افزایش می‌یابد.

بسیاری از کشورهای در حال توسعه به جای اینکه سیاست تعرفه‌ای را در کوتاه مدت انجام دهند، این سیاست را در سالهای متمادی ادامه می‌دهند و موجب کاهش رفاه مردم از یک طرف و عدم تلاش تولیدکنندگان برای تولیدات با کیفیت تر از طرف دیگر و تعطیلی کارخانه‌ها و بیکاری طیف وسیع از مردم می‌شود.

د) رقابت‌پذیری تولیدات ملی

پدیده بیماری هلندی، فناوری فرسوده و بهره‌وری پائین موجب افت توان رقابت‌پذیری کالاهای داخلی و در نتیجه وجود انگیزه قاچاق به جهت قیمت کمتر کالای خارجی و احیاناً مرغوبیت آن می‌شود.

ه) بازدارندگی قوانین ناظر بر مال جامع علوم انسانی

هرچه قوانین سخت‌گیرانه‌تری نسبت به قاچاق کالا بعنوان یک جرم وجود داشته باشد به نوعی از بروز آن هم جلوگیری خواهد شد. قاچاق کالا به عنوان یک فعالیت غیر قانونی، همواره با ریسک ناشی از برخورد عوامل قانونی کشور روبرو است؛ چنانچه سازوکار و ضمانت‌اجرائی لازم فراهم گردد قوانین می‌تواند به کاهش قاچاق کمک شایان توجهی بنماید. خلاء قانونی و طولانی شدن روند

رسیدگی به پرونده‌های مهم قاچاق و یا تبرئه اکثر متهمان موجب آزاد شدن قاچاقچیان کالا می‌شود.

و) فرهنگ مصرف

در پاره‌ای از موارد کیفیت نامناسب کالاهای تولید داخل تمایل مردم به استفاده از کالای خارجی را افزایش می‌دهد ولی گاهی پیش می‌آید که منظور نظر مردم کیفیت نیست بلکه سلیقه است و این سلیقه استفاده از کالای خارجی را افزایش می‌دهد و زمینه را برای کسب سود بیشتر و به تبع آن برای پیدایش قاچاق فراهم می‌کند. بر این اساس بالا بودن میل نهایی به مصرف کالاهای وارداتی باعث تشدید قاچاق می‌شود.

ز) بیکاری

کاهش میزان اشتغال در اقتصاد رسمی هم توجیه‌کننده و هم علت افزایش میزان اشتغال در اقتصاد غیررسمی و قاچاق کالا است. افزایش عرضه نیروی کار و کاهش تقاضا برای آن در بخش رسمی اشتغال در بخش غیررسمی را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر، عده‌ای افزایش اشتغال در بخش غیررسمی را، به دلیل سودآور بودنش، علت کاهش اشتغال در بخش رسمی می‌دانند. بنابراین بالا بودن میزان بیکاری در اقتصاد رسمی علامت روشنی از گسترش قاچاق است.

ح) نظام ارزی

افزایش نظارت ارزی در ایران - که معمولاً با کاهش درآمدهای ارزی ناشی از صدور نفت رابطه مستقیم دارد از دیگر انگیزه‌های مهم قاچاق کالا خصوصاً در بخش خارجی است. در نظام‌های چند ارزی معمولاً واردکنندگان استفاده کنندگان از ارز با قیمت پایین تر تلاش می‌کنند ارزش کالای وارداتی را (بیش از حد نشان دهند) تا بتوانند از

طریق اضافه سهمیه‌ی ارزی و فروش آن در بازار آزاد سود کسب کنند. صادرکنندگان نیز به دلیل تعهد مبنی بر واریز ارز صادراتی خود به نرخ پایین‌تر از بازار آزاد به صندوق دولت سعی می‌کنند ارزش صادرات خود را کم نشان دهند یا تلاش می‌کنند کالای خود را کاملاً به صورت قاچاق صادر کنند در کل وجود نظارت‌های ارزی به هر صورت در اقتصاد از شاخص‌های راهنمای مویید وجود قاچاق کالا است.

ط) نرخ ارز در بازار سیاه

ارتباط معکوسی بین حجم قاچاق و نرخ ارز غیر رسمی وجود دارد.

ی) نرخ ارز رسمی

ارتباط مستقیمی بین نرخ ارز رسمی و مقدار قاچاق وجود دارد.

سرعت بیشتر افزایش قیمت‌ها در داخل نسبت به قیمت‌های جهانی در کنار سیاست تثبیت نرخ ارز، منجر به کاهش قدرت رقابت‌پذیری اقتصاد و کاهش صادرات شده است. رقابت‌پذیری علاوه بر ارزیابی قیمت‌ها و هزینه‌ها به یک سری عوامل ساختاری دیگر نظیر نوآوری فنی، افزایش بهره‌وری و سرمایه‌گذاری در سرمایه‌فیزیکی و انسانی بستگی دارد. نیز، واردات کالاهای مصرفی، منجر به کاهش ارزش افزوده، کاهش تولید داخلی و افزایش بیکاری در کشور می‌گردد. کاهش ارزش پول سبب می‌شود صادرات از قدرت رقابت‌پذیری بیشتری برخوردار شده و این امر به نوبه خود و از طریق تأثیرات تکاثری به افزایش تولید منجر گردد. علاوه بر این در چنین شرایطی، گرانت‌شدن واردات و در نهایت جایگزینی کالاهای داخلی به جاری واردات نیز تولید را افزایش می‌دهد.

ک) افزایش دخالت دولت در بازار

قسمت عمده درآمدهای ارزی متکی بر صادرات نفتی است و با توجه به نوسانات

قیمت نفت به عنوان یک متغیر برونزا همواره شاهد بی ثباتی در درآمدهای ارزی خواهیم بود. کشورهای با اقتصاد نفتی همواره با چالش اساسی نوسانات برونزای قیمت های نفت و اثرات آن بر ارزش پول داخلی مواجه بوده اند. با افزایش قیمت نفت، ارزش پول داخلی کشورهای افزایش یافته و به تبع آن توان رقابت پذیری آن در تجارت بین الملل کاهش می یابد. اما داشتن کیفیت نهادی بالاتر از جمله کنترل فساد و حاکمیت قانون باعث بهبود رقابت پذیری کشورها شده و تاثیرپذیری نرخ واقعی ارز از تغییرات برونزای قیمت های نفت را کنترل و خنثی می سازد. سیاست های اقتصادی باید در جهت فراهم آوردن زمینه مساعد برای افزایش تولید داخلی در بخش غیر نفتی باشد. مشکلات ناشی از اقتصاد تک محصولی و اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی، باعث شده است تا اقتصاد کشور به شدت تحت تأثیر عوامل خارجی از جمله نوسانات بهای نفت قرار گیرد و با توجه به نوسانات درآمدهای نفتی به شدت ضرورت تقویت و رشد صادرات غیر نفتی احساس می گردد.

معمولاً بزرگ شدن دولت - چه به دلیل داشتن نیازهای بیشتر و چه به دلایل افزایش مقررات و نظارت بیشتر بر اقتصاد رسمی - به توسعه فعالیت های قاچاق منجر می شود. بنابراین در هر کشوری که دخالت دولت در اقتصاد زیادتر باشد، میزان فعالیت غیر رسمی و قاچاق نیز می باید بیشتر باشد.

ل) بوروکراسی و ساختار اداری ناکارآمد

با گذشت بیش از ۷۷ سال سابقه برنامه ریزی در ایران و علی رغم تلاشهای صورت پذیرفته در قالب برنامه ها و بودجه های سنواتی برای توسعه کشور، هنوز مشکلات ساختاری توسعه در ایران از جمله مداخلات گسترده و بدون قاعده دولت در اقتصاد، وابستگی مخرب اقتصاد به درآمدهای نفتی، فضای کسب و کار بازدارنده، عدم شکل گیری بازارهای رقابتی و کارآمد، ناکارآمدی نظام اداری کشور و ناکارآمدی نظام مالی (بازار پول و سرمایه) باقی مانده است. برخی از نتایج تداوم مشکلات ساختاری،

افزایش هزینه مبادله، ظرفیت پایین رشد اقتصادی کشور و شکوفا نشدن ظرفیت های اقتصاد ملی، رشد اندک بهره‌وری، رونق فعالیت‌های غیر مولد، رانتی و غیررسمی، رقابت پذیری پایین اقتصاد ملی، نامناسب بودن شاخص‌های توزیع درآمد و فقر و تخریب محیط زیست است.

بروکراسی و ساختار اداری ناکارآمد منجر به افزایش هزینه تولید و تجارت در اقتصاد رسمی خواهد شد. اخذ مجوز برای تولید یا صادرات از مراکز متعدد تصمیم‌گیری، قیمت تمام شده را برای تولیدکننده و صادرکننده افزایش می‌دهد. این هزینه‌ها انگیزه فعالیت در بخش غیر رسمی یا به عبارتی قاچاق کالا را افزایش می‌دهد.

م) محرومیت ساکنان مناطق مرزی

از عواملی که سبب گسترش قاچاق کالا در کشور شده وضعیت جغرافیایی کشور است، وجود هزاران کیلومتر راه آبی و خاکی در مرزها و همچنین همجواری با کشورهای بی ثبات است که سرمایه‌گذاری مولد در مناطق مرزی را کاهش داده است. قاچاق کالا عمدتاً از طریق مناطق مرز نشین صورت می‌گیرد. در نقاط مرزی کشور به دلیل فقر و نبود فرصت شغلی افراد به منظور تامین نیازهای معیشتی و مالی خود اقدام به قاچاق کالا می‌کنند.

در مناطق مرزی کالاها عمدتاً به صورت چمدانی قاچاق می‌شوند، بخشی از واردات در کشور مربوط به واردات کالاهای همراه مسافر است. بازارچه‌های مرزی که محل مناقشه بسیاری از تولیدکنندگان داخلی قرار دارد، با هدف مبادله کالاهای مورد نیاز مرز نشینان و مبارزه با قاچاق کالا و اشتغالزایی در مناطق مرزی تشکیل شده، اما در حال حاضر این بازارچه‌ها به محلی برای واردات کالاهایی تبدیل شده اند که اساساً در روستاها و شهرهای بزرگ مورد مصرف قرار می‌گیرند. حتی در بسیاری از موارد سهمیه واردات این بازارچه‌ها از سوی افراد حرفه‌ای در تجارت رسمی خریداری شده و کار تجارت، صادرات و واردات کالا از سوی آنها به نام مرز

نشینان صورت می‌گیرد. از طرفی هزینه‌ها و عوارض بالا موجب عدم سود دهی فعالیت پیلهوران گردیده و در نتیجه رغبتی به فعالیت بیشتر ندارند. قاچاق کالا یکی از مواردی است که تاثیر بسزایی بر فعالیت بازارچه‌ها داشته و موجب ضعف عملکرد آنها می‌شود.

ن) نقش منفی مناطق آزاد

مناطق آزاد تجاری اساساً برای پردازش و تسهیل تولید و صادرات تأسیس شده است، اما شواهد حاکی از آن است که این مناطق خود به عاملی جهت توجیه و تسهیل قاچاق مبدل شده‌اند.

۴. پیامدهای اقتصادی ناشی از قاچاق کالا و ارز

شکل‌گیری اقتصاد زیر زمینی و فرار مالیاتی، کاهش درآمدهای دولت و افزایش کسری بودجه، کاهش سطح تولید ناخالص ملی، کاهش اشتغال، هدر رفتن منابع ارزی کشور، توزیع ناعادلانه درآمد و افزایش فاصله طبقاتی، کاهش رفاه مصرف‌کنندگان و عدم عضویت ایران در سازمان‌ها و مجامع تجاری بین‌المللی و منطقه‌ای به دلیل بالا بودن حقوق و عوارض ورودی کالا از جمله آثار و پیامدهای قاچاق محسوب می‌شود. پدیده قاچاق منجر به شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی یا اقتصاد سیاه می‌شود و از آنجا که چنین فعالیتهایی در بازار غیررسمی انجام می‌شود در حسابهای ملی ثبت نمی‌گردد، لذا تولید ناخالص ملی به دلیل فقدان آمار و اطلاعات لازم کمتر از مقدار واقعی آن برآورد می‌گردد و از آنجا که در اقتصاد زیر زمینی فرار مالیاتی افزایش می‌یابد در مجموع درآمدهای دولت کاهش می‌یابد. کاهش درآمدهای دولت از محل عوارض گمرکی و کاهش منابع ارزی حاصل از صادرات رسمی نیز از پیامدهای قاچاق کالا می‌باشد.

بر این اساس، پدیده قاچاق کالا سبب می‌شود درآمد دولت به سه طریق کاهش یابد:

۱) گسترش اقتصاد زیر زمینی و فرار مالیاتی

۲) کاهش تعرفه ها و عوارض گمرکی

۳) کاهش درآمدهای ارزی

کاهش حمایت دولت از صنایع و تولیدات داخلی به دلیل کاهش منابع درآمدی دولت سبب ورشکستی تولید کنندگان و تعطیلی کارخانه ها بویژه در صنایع با فناوری بالا می شود. هزینه تولید کالا در داخل کشور به دلیل کاهش حمایت دولت بسیار بالاست به گونه ای که توان رقابت با محصولات خارجی را از بین می برد و سبب از بین رفتن فرصتهای شغلی در کشور می شود. از آنجا که با کاهش درآمد دولت کسری بودجه نیز افزایش می یابد لذا سرمایه گذاری در فعالیتهای عمرانی و زیربنایی نیز کاهش یافته و با کاهش منابع درآمدی لازم جهت سرمایه گذاری مولد و کاهش سرمایه گذاری توسعه و پژوهش به منظور ارتقای کیفیت کالاهای داخلی کمتر از پیش می شود و اشتغال نیز کاهش می یابد.

در بخش درآمدهای ارزی نیز صدور غیرقانونی کالا منجر به خروج سرمایه از کشور و عدم بازگشت ارز به دست آمده با نظام پولی و بانکی کشور می شود و در نتیجه کمبود درآمدهای ارزی، توازن پرداخت های خارجی به هم می خورد. توزیع ناعادانه درآمدها نیز از پیامدهای پدیده قاچاق می باشد. با توجه به حاشیه سود بالا در قاچاق کالا، توزیع درآمدها و ثروت ها در جامعه به هم خورده و قاچاقچیان از طریق کسب آن بخش از درآمدهایی که دولت می بایست از واردات رسمی کسب می کرد توزیع درآمد را ناهمگون تر می کند زیرا دولت می توانست این درآمدها را به صورت هزینه عمومی، هزینه های اجتماعی و اعطای یارانه بین عموم مردم توزیع کند. از همین رو قاچاق کالا موجب انحراف سیاستهای اقتصادی و بازگانی دولت می شود.

اکثر کالاهایی که به صورت قاچاق وارد کشور می شوند رفاه مصرف کنندگان را کاهش می دهند واردات کالا به صورت قاچاق سبب می شود کالاها با کیفیت پایین تر

و تقریباً به دلیل عدم کنترل استانداردهای کیفیت محصولات، بهداشت و سلامت مصرف کنندگان دچار مشکل شود. همچنین به دلیل احتمال جلوگیری و کشف کالاهای قاچاق توسط ماموران عمدتاً کالاهای ارزان و بدون کیفیت و تقریباً یکبار مصرف وارد کشور شود.

۵. اقتصاد مقاومتی و نهادینه کردن مبارزه با قاچاق

در راهبرد اقتصاد مقاومتی با رویکردی انعطاف پذیر و فرصت ساز، حداکثر بهره برداری از امکانات موجود در جهان خارج در جهت بالندگی اقتصاد ملی صورت می گیرد و در عین حال حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی کشور، معیار اصلی در تعامل اقتصادی با جهان خواهد بود. محورهای اصلی زیر در سیاست های کلی اقتصادی مقاومتی مندرج است که بر اساس آن رویکرد سیستمی به مقوله اقتصاد و بالتبع تجارت و پیشگیری از بروز اقتصاد پنهان (قاچاق و ...) مشهود است.

اقتصاد مقاومتی بر سیاست ها و اقدامات زیر تأکید دارد. جهت گیریهای راهبردی در ذیل سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی می تواند در سالم سازی محیط نهادی و شفافیت فرایندهای تولید و تجارت و در نتیجه کاهش قاچاق مؤثر واقع گردد:

الف) فراهم نمودن زمینه حضور گسترده همه اقدار جامعه در فعالیت های اقتصادی با:

- ✓ گسترش فضای سالم، شفاف، رقابتی، با ثبات و به دور از فساد برای فعالیت های اقتصادی (بند ۱۹)
- ✓ ارتقای سرمایه های انسانی (مهارت، کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری) (بند ۵)
- ✓ توانمند نمودن مردم و فعالان اقتصادی برای حضور در فعالیت های اقتصادی داخلی و خارج (بند ۳)
- ✓ اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور (بند ۹)
- ✓ تقویت فرهنگ جهادی در فعالیت های اقتصادی (بند ۲۰)

ب) ارتقاء بهره‌وری با:

- ✓ پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان و تکمیل چرخه علم - ثروت در بخش‌های مزیت‌دار کشور (بند ۲)
 - ✓ تکمیل زنجیره‌های ارزش صنعت نفت و گاز (بند ۱۵)
 - ✓ هدمندسازی یارانه‌ها (بند ۴)
 - ✓ تقویت عوامل تولید و توانمندسازی نیروی کار (بند ۳)
 - ✓ ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به‌کارگیری ظرفیت‌های جغرافیایی کشور (بند ۳)
 - ✓ منطقی‌سازی اندازه دولت (بند ۱۶)
 - ✓ اصلاح الگوی مصرف (بند ۸)
 - ✓ افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی (بند ۲۴)
 - ج) تعامل سازنده با اقتصاد بین‌الملل و مدیریت مخاطرات بیرونی با:**
 - ✓ حمایت همه‌جانبه از صادرات کالاها و خدمات (بند ۱۰)
 - ✓ توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورها (بند ۱۲)
 - ✓ مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز (بند ۱۳)
 - ✓ افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز (بند ۱۴)
 - ✓ توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه کشور (بند ۱۱)
 - د) کاهش آسیب‌پذیری جامعه با:**
 - ✓ افزایش تولید نهاده‌ها و کالاهای اساسی (بند ۶)
 - ✓ تنوع در مبادی تامین کالاهای وارداتی (بند ۶)
 - ✓ تامین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی (بند ۷)
 - ✓ افزایش سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی (بند ۱۷)
 - ✓ افزایش سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از نفت و گاز (بند ۱۸)
- بدیهی است رویکرد سیستمی به این سیاستهای کلی قادر است یک نظام اقتصادی

سازگار و هماهنگ برای نیل به اهداف مطلوب را تمهید نماید. مشاهده می‌شود بر اساس سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار و افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن و نیز شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ... و نیز تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد از جمله الزامات مقابله با قاچاق کالا و ارز است. همچنین بند یازدهم از سیاستهای کلی بر حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق: تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم، گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات، برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید، و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه و استفاده از ساز و کار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز و ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف تأکید می‌نماید.

در بند دوازدهم بر توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج تأکید شده است. بدیهی است که شرایط حاکم بر محیط اقتصادی و نیز شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی، ویژگی نهادها و محدودیتهای رسمی موجود، مجموعه عواملی است که بستر تصمیم‌گیری آحاد جامعه را، در انتخاب فعالیت اقتصادی غیر قانونی قاچاق کالا، شکل می‌دهد.

بسیاری از کالاهایی که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود کالاهای مصرفی بوده و عمدتاً جزو کالاهای اساسی و مورد نیاز مصرف‌کننده نبوده بلکه قاچاقچیان با تبلیغات و ایجاد نیاز کاذب در مصرف‌کننده به مصرف این کالاها در داخل کشور

دامن می‌زنند. این کالاها اکثراً از کیفیت پایین و عدم استانداردهای لازم به دلیل عدم نظارت مراجع قانونی برخوردار هستند. لذا بایستی برای ارتقاء مصرف کالاهای تولید داخل فرهنگ‌سازی نمود.

از طرفی تولیدکنندگان باید بر اساس نیازها و نوع کیفیت مورد نظر مصرف‌کننده اقدام به تولید کالا کنند. شرکت‌های معظم غربی و شرقی به کمک جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و حتی فلاسفه برای فروش کالای خود تبلیغ می‌کنند؛ لازم است تا با فرهنگ‌سازی رسانه‌ها استفاده از کالای داخلی ترویج شود. تشویق و ترغیب استفاده از کالاهای تولید داخل، تبلیغ مطلوب تلاش‌های تولیدکنندگان، معرفی و شناسایی آنها به مردم بویژه توسط رسانه ملی، استفاده از کارشناسان، مسئولان و مدیران برای بیان مزایای استفاده از تولیدات داخلی و مضرات استفاده از کالاهای خارجی در رسانه‌ها به خصوص صدا و سیما از جمله راهکارهای مبارزه با قاچاق کالا می‌باشد.

۶. جمع‌بندی و پیشنهادها

برای نیل به اقتصاد شفاف، سالم و رسمی لازم است با توجه به نقش نهادها از یک سو و نیز رویکرد سیستمی به ابعاد اقتصادی و غیراقتصادی قاچاق نسبت به اصلاح فرایندها بر اساس بازخوردها اقدام نمود. بر این اساس پیشنهادهای زیر برای نهادینه سازی اقتصاد مقاومتی در قلمرو تجارت خارجی قابل ارائه است.

۱. تنوع بخشی در مبادی تأمین کالاهای وارداتی مورد نیاز بخش های اقتصاد به هدف صادرات محور و تأمین نیاز داخلی
۲. رشد کمی و توسعه کیفی نهاده‌های تولید و تولید نهاده‌های محرک اقتصاد به هدف حمایت از بنگاه‌ها با اولویت بخشی برای عرضه کالاهای حساس، ضروری و اساسی تا مرحله تعادل در بازار معاملات کالا و خدمات قابل رقابت.
۳. فراهم سازی مقررات تسهیل کننده و ارائه تشویق‌های لازم و برقراری ثبات در رویه‌ها و مقررات صادرات و واردات به منظور توسعه پایدار و قابل

- رقابت در بازارهای هدف با تأکید بر بازارهای منطقه ای.
۴. گسترش و توسعه خدمات در تجارت خارجی و فراهم کردن زیر ساخت های ضروری در امر ترانزیت کالا.
۵. همکاری دولت با سایر ارکان حاکمیت به منظور فراهم کردن زمینه جذب سرمایه گذاری های خارجی با تکنولوژی برتر در جهت توسعه صادرات غیرنفتی
۶. تنوع بخشی به پیوندهای اقتصادی با کشور های منطقه و همسایگان با حفاظت از تولید ملی و صادراتی
۷. استفاده از انواع قراردادهای متقابل تجاری با کشورها و تسهیل تسویه مبادلات با پول های ملی در برابر میانگین نرخ سبیدی از ارزهای معتبر در صندوق بین المللی پول
۸. رویکرد پایدار در مقررات و رویه های مرتبط با فعالیت های تولیدی، معدنی و تجاری و ارائه اطلاعات شفاف به بازار و دستگیری و ارائه اطلاعات شفاف به سرمایه گذاران و دارندگان منابع مالی به منظور هدایت و حمایت از بنگاه های اقتصادی کوچک و نوآور.
۹. تصحیح شبکه های تولید، بسته بندی، توزیع، و پخش به منظور کاهش هزینه های مبادله و قیمت نهایی و کاهش دستگردانی کالا و کاهش ضایعات تا رسیدن به قیمت واقعی و نهایی قابل رقابت به هدف حمایت از مصرف کننده نهایی .
۱۰. بازخوانی شیوه های نظارت و هدایت بر سه بازار (بازار نهادهای تولید)، (بنگاه های تولیدی و عمده فروشی) و (بازار معاملات و مبادلات کالا و خدمات در سطح عرضه و تقاضا و خرده فروشان)
- در پایان تأکید می نماید با توجه به نقش مبارزه با قاچاق در نهادینه سازی فرایندهای شفاف سازی و سالم سازی اقتصاد ملی، هرگونه اقدام در خصوص جلوگیری و نیز مبارزه با قاچاق در واقع بستر ساز تحقق اقتصاد مقاومتی است.

منابع

- اسدی، علی، نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان. سال دوم. شماره ۵. بهار ۱۳۹۳، صفحات ۲۵-۳۹.
- امیری طهرانی‌زاده، سید محمدرضا، مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی، مقاله ۲، دوره ۱۲، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صفحات ۳۳-۵۲.
- خالوباقری، مهدیه، شایان قریشی، سیدمحمد و جعفرزادگان، امیر، اقتصاد دانش‌پایه؛ ابزاری راهبردی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی، همایش ملی نقش سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی. جهاد دانشگاهی، واحد البرز، ۱۳۹۲.
- سیف، الله مراد، الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری). فصلنامه علمی پژوهشی آفاق امنیت، سال پنجم. شماره ۱۶، پائیز ۱۳۹۱، صفحات ۵-۲۲.
- عارف، محمدرضا و کیانی بختیاری، ابوالفضل، ضرورت تبدیل دانش به فناوری و ثروت ملی. نشریه نشاء علم. سال سوم. شماره اول، دی ۱۳۹۱، صفحات ۶-۱۵.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی